



عبدالله

روایت سرخ عشق

شرحی از زندگی شهید حجت الاسلام والمسلمین

شیخ عبدالله میثمی

محمدعلی قربانی



معاونت روابط عمومی و انتشارات

سرشناسه: قربانی، محمدعلی، ۱۳۵۰.
عنوان و نام پدیدآور: عبدالله، روایت سرخ عشق / شرحی از زندگی شهید حجت الاسلام والمسلمین عبدالله میثمی / محمدعلی قربانی.
مشخصات نشر: تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، معاونت روابط عمومی و انتشارات، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص.؛ مصور ۶۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۵۶-۷-۵ ۵۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شرحی از زندگی شهید حجت الاسلام والمسلمین عبدالله میثمی

موضوع: میثمی، عبدالله، ۱۳۳۴-۱۳۶۵

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان - - سرگذشت نامه

موضوع: شهیدان - - ایران - - ناماندگان - - خاطرات

شناخت: افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، معاونت روابط عمومی و انتشارات

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ق ۳۶۴ / DSR1۶۲۶

رده بندی دیویی: ۹۲۰.۹۲ ۹۵۵/۰

شماره کتابشناسی ملی: ۶۳۳۷۷۲

به مناسبت برگزاری کنگره «میثم و ولایت» روحانی خط مقدم جبهه ها»

شهید حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالله میثمی



عبدالله روایت سرخ عشق / شرحی از زندگی شهید حجت الاسلام عبدالله میثمی
تحقیق و نگارش: محمدعلی قربانی

مدیر اجرایی: یازبینی، آماده سازی و نظارت بر نشر: محمدقاسم فروغی بهرامی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰ تیراز: ۵۰۰۰ نسخه

ویراستاران: ملیحه ظریف شاهسون نژاد - لیلایلیلی

طراح جلد: ایمان نوری نجفی صفحه آرای و امور هنری تصاویر: مسعود آباد

مجید برکتی

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۲۵۶-۷-۵

ناشر: معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه (بلاغ)

مرکز پخش: تهران - خیابان کریم خان - خیابان نجات الهی - خیابان شهید لباف - شماره ۱۵

تلفن: ۸۸۸۹۶۸۷۶



فهرست

سبوی عشق / محمد قاسم فروغی / بهرمی	
به جای سخن ناشر	۱۳
مقدمه نویسنده	۱۵

فصل اول / آشنایی

سال شمار	۲۱
در یک نگاه	۲۳
مسئولیت ها	۳۹

فصل دوم / فرازهایی از زندگی

نزول دوباره آیه ها	۴۳
هیأت حضرت رقیه (س)	۵۵
مقبره شیخ کلباسی	۵۹
موضوع محرمانه	۶۴
خلوت امن	۷۱



سبوی عشق

به جای سخن ناتس

محمد قاسم فروغی جهرمی

ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش
دلم از عشقه شیرین شکر خای تو خوش
هم گلستان خیالیم ز تو پیر نقش و نگار
هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش
در ره عشق که از سیل بلا نیست گذار
کرده ام خاطر خود را به تمنای تو خوش
در بیابان طلب گر چه زهر سو خطری است
می رود حافظ بیدل به تولای تو خوش

شهید شب قدری است که در فضای لایتناهی آن، هر سالک و رندهای می تواند به قدر
بضاعت، استطاعت و تلاش اش کسب فیض نماید و آفتاب ملکوت را در جان شیرین خود به
تابیدن بیاغازد تا صفای دل و خلوت انس را در وجود بی قرار چشمه ساری شود و آشمار معرفت
و سوز و گداز وصل را به جریان خجسته معراج پیوند دهد.

رحمت و لطف دوست آن چنان جاری است که آب حیات از هر منبع جوشان حسن به سوی
نیازمندان جریان می یابد و عطش را در کام، مشتاق تر می کند و زمزمه ها را در نوای بلبلان
سر مست سحر گاهی، هر شنونده بیدار دل بامدادی را به وجد می آورد.

میخانه معرفت جام هایی را به رندان عرصه جهاد و عبودیت عرضه می دارد که نوش داروی

را از اموات جدami سازند، چرا که شهیدان، در طول تاریخ حق جو و عدالت طلب بوده اند و هستی خویش را بر سر پیمان خویش گذاشته اند.

هر قطره خون شهید چونان باران بهاری با شوره زارهای ظلم و جهل در افتاده و ظلمات بشر را چراغ گشته است.

اگر آیین ها و دین هایی به مرور در سرانمایی انحراف افتاده اند و پیروان اش به اسارت شیطان در آمده اند، از آن رو بوده است که جهاد و شهادت را از یاد برده اند.

در میان این آشفته بازار قیل و قال ها، مکتب الهی اهل بیت علیه السلام هم چنان با زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا به ویژه شهدای کربلا، هم چنان پرچم جهاد و شهادت را در اهتزاز نگه داشته است.

و خلاصه همه این حرف ها می شود سخن پیر ما که فرمود:

محرم و صفر است که:

اسلام را زنده نگه داشته است.

در عصری که کل زمین «کربلا» و کل ایام «عاشورا» بود، مجاهدان بسیاری با اشاره آن پیر فرزانه خود را به کاروان حسینی رساندند و با حبیبان همراه شدند. عده ای در میانه راه و با مشقت بسیار و عده ای با عنایت الهی، به لب فرات سعادت رسیدند و جان شان را سیراب کردند؛ اما عده ای گویا از روز الست در ساحل فرات متولد شده بودند.

در این مجال اندک سعی کرده ام یاد و خاطره یکی از این کاروانیان ساحل نشین را ثبت کنم تا نسل های فردا از آن چشمه روح بخش بی نصیب نمانند. می خواهم از شهید حجت الاسلام والمسلمین عبدالله میثمی و نفس مسیحایی اش بگویم. کسی که برای نایل شدن به نشان شهادت یک عمر هم آورد شیطان بود.

او که تلاش بی اندازه کرد، سختی بسیار کشید، فریاد زد، سکوت کرد، بی خوابی کشید، راز و نیاز کرد و رفت، در حالی که از مال دنیا فقط مقداری بدهی داشت که خواهش کرده بود پدرش آن را ادا کند.

در یک کلام:

او با زندگی خود، شهادت را اندوخته بود.

امیدوارم توانسته باشم تا حدودی جلوه‌ای از زندگی این شهید دریادل و به حق پیوسته را به تصویر کشیده باشم.

روزی که برای تبریک روز پاسدار به خدمت دوست و برادر عزیزم سردار رمضان شریف رسیدم، تصور نمی‌کردم یک تبریک ساده به تعهد برای انجام چنین کاری بیانجامد. اما با خود عهد کردم، در فرصت کوتاهی که به من داده شده بود، متن زندگی آن شهید والامقام را مرور کنم و حاشیه‌ای و فقط حاشیه‌ای بر یک متن زرین بنویسم. این تعهد، آن هم در این فرصت بسیار محدود، نتیجه‌اش کاری طاقت فرسا برای من و همکارانی شد که در این جاذبه همه آنان صمیمانه تشکر می‌کنم.

محمدعلی قربانی

۱۳۹۰/۱۰/۲۳